

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

رستم البرز

۱۰ جون ۲۰۲۰

یادی از جانباز سامانی زنده یاد عارف



محمد عارف فرزند محمد یاسین در سال ۱۳۳۵ شمسی در یک خانواده بی بضاعت دهقانی در منطقه کاریز شاهی قریه بابیه قچقار ولسوالی میربچه کوت ولایت کابل چشم به جهان کشود. در سال ۱۳۴۲ ش شامل مکتب ابتدائی میربچه خان شده و در سال ۱۳۵۴ ش با اخذ نمرات عالی از مکتب متذکره فارغ گردید. عارف از همان ایام کودکی تا عنفوان جوانی در آغوش خانواده داغ مظالم طبقاتی، عقب افتادگی و ستم دودمان طلایی را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود. عارف در جریان دوره تعلیمی در اوضاع سیاسی اواخر نظام فرتوت

شاهی در کشور، اوج و خروش جریان های سیاسی مملو از تظاهرات و اعتصابات طیف های مختلف روشنفکری زمان خود را شاهد بود. رفیق عارف از دامان طبقه ستمکش جامعه قد برافراشت و شعور اجتماعی اش در پراکتیک اجتماعی رشد نسبی یافت. با آن درجه از شناخت تجربی، عارف جوان می دانست که چگونه مردم می توانند از زیر بار نظام منحل فئودالی بیرون شوند. با این اشتیاق مبارزاتی، قبل از ایجاد ساما، او آگاهانه عضویت پرافتخار گروه مجید بزرگ این فرزند راستین زحمتکشان را که در راه رهایی توده های زحمتکش از چنگال عفریت نظام نیمه فئودالی و سیطره نیمه استعماری امپریالیسم می رزمید، پذیرا شد.

رفیق عارف در سال ۱۳۵۵ ش پس از اتمام دوره تعلیمات ثانوی، با سپری نمودن امتحان کانکور، شامل پوهنخی زبان و ادبیات دری دانشگاه کابل شد. پس از اكمال دوره لیسانس ادبیات زبان دری با درجه عالی در سال ۱۳۵۸ ش فارغ التحصیل گردیده و در سال ۶۰-۱۳۵۹ نظر به علاقه ای که داشت، با سپری کردن آزمون و معیار تعیین شده همان زمان، برای آغاز دوره ماستری زبان و ادبیات، مستحق شناخته شد. همزمان با پیشبرد دروس مکتب و دانشگاه، در جمع یاران رفیق مجید به خود سازی انقلابی و ارتقای سطح تئوریکش از مبانی و مفاهیم علم انقلاب زیر رهنمائی رفقای مسؤول منطقه سعی بی وقفه کرده و به مدارج عالیتری از دانش انقلابی و موقعیت تشکیلاتی ارتقاء یافته و جایگاه یک کادر جوان را احراز کرد.

کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ ش طبق برنامه استعماری امپریالیسم شرارت پیشه روس که توسط ستون پنجم و جاده صاف کن روس اشغالگر اجرائی شد، باند های میهنفروش "خلق و پرچم" را بر اریکه قدرت پوشالی رسانید. خلق سلحشور افغانستان در تقابل با توحش فاشیستی برده های بومی آن استعمارگر نوین، در یک آزمون تاریخی قرار گرفت. توده های پا برهنه دست به قیام دشمن سوزی زدند. خرس وحشی هم با عطش امپریالیستی و رویای رسیدن به آبهای گرم،

با حرص و آز و تکبر امپریالیستی و زراد خانه مجهز جنگی خود در ششم جدی ۱۳۵۸ به مصاف خلق افغانستان آمده و پایش برای یک دهه در باتلاق جنگ تجاوزکارانه ای که خود به راه انداخته بود، گیر ماند. خرس قطبی در اخیر در برابر مقاومت جانبازانه توده های به پاخاسته این خطه باستانی، همانند اسلاف استعماگرش چنان شکست سختی خورد که در نتیجه آن امپراتوری اش از نقشه جغرافیای جهان محو شد.

با ایجاد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) عارف در جمع همزمان رفیق مجید، عضو ساما شد. این کادر جوان سامانی همزمان با تحصیل در پوهنتون کابل، در تشکیلات محلی ساما، وظائف انقلابی و مسؤولیت آموزش سیاسی رفقاء در آن تشکیلات را نیز عهده دار بود. او در این سنگر علیه روس اشغالگر و رژیم خیانت پیشه مزدوران "خلق و پرچم" خوش درخشید، هرچند عمرش زیاد کفاف نداد.

عارف در چوب بست اخلاق انقلابی، از سجایای عالی مثل صمیمت، شفقت، صداقت، خدمت به خلق، جسارت، درایت انقلابی و... برخوردار بود. چنانچه در خزان ۱۳۵۸ و اوائل بهار سال ۱۳۵۹ ش یک تن ولگرد به نام میرزا از قریه دکوی سفلا وابسته به تنظیم حزب اسلامی یونس خالص و از جمله ارتباطی های رژیم دست نشانده (خلقی ها- پرچمی ها) بود، ده ها فرزند باشندگان قریه بابه قچقار را اختطاف می کرد و در بدل رهائی ربهوده شدگان، از فامیل های شان پول هنگفتی خواستار می شد. از طرف دیگر نبض و تحرکات نیرو های انقلابی را عوامل دولت مزدور روس شناسائی می کردند. رفیق عارف وظیفه خود دانست که توده های محل را حمایت کرده و از شر آدم ربایان برهاند. رهن میرزا نام پس از اختطاف فرزند یک خانواده، می خواست که از ساحه خارج شود که با کمین مسلحانه زنده یاد عارف و چریک های تحت فرماندهی اش رو به رو شد. میرزا پوزش خواسته و تعهد سپرد که من را نکشید، دیگر هیچ گاهی عمل اختطاف را انجام نخواهد داد. رفیق عارف برای میرزا و ولگردان همراهش گفت که در صورت تکرار عمل، با محکمه انقلابی ما رو به رو خواهی بود. آن بار مردم از شر اختطاف رهائی یافتند، ولی در تابستان سال ۱۳۶۰ ش میرزا از قریه شیخان میربچه کوت فرد دیگری را اختطاف می نماید. این بار بنا به خواست مردم محل، میرزای آدم ربا در ساحه حصار سکندر قریه بالا آب میر بچه کوت در محکمه چریک های مسلح سامانی محکوم به اعدام شده و حکم اعدامش اجراء شد.

امپریالیسم شرارت پیشه روس و دلکان بی مقدار "خلقی و پرچمی" در قریه ها افراد زبونی را در برابر مخالفان نظام دست نشانده پرورش داده بودند که عناصر انقلابی را شناسائی کرده و گزارش می دادند. در قریه خود رفیق عارف جواسیس دستگاه آدمکش خاد افراد بدنامی به نام های (حاجی سخی محمد، سرور، یاسین، یونس، بصیر، دور محمد، دوست محمد، سردار، صمد گل و...) و ده ها تن دیگر را استخدام کرده بود که در محلات همانند سگان بوی کش در جست و جوی رزمندگان سامانی بودند. رفیق عارف هم توسط خادیسست ها مورد شناسائی و پیگرد قرار گرفت. رفیق عارف توسط جواسیس دولت مزدور روس دستگیر شد که در خاد نظامی مورد شکنجه قرار گرفت. رفیق عارف برق آسا شکنجه گران را به قتل رسانید و قادر به فرار گردید. بعد از دو ماه سپری کردن زندگی مخفی، از منزل یکی از اقارب خود در ساحه حوزه پنجم امنیتی شهر کابل دو باره دستگیر و زیر شکنجه قرار گرفت. سرانجام عارف به مثابه انقلابی برجسته و خستگی ناپذیری در سال ۱۳۶۰ در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان دستگاه شکنجه و اعدام "خاد" تحت رهبری نجیب جلال در رژیم جنایت پیشه "خلقی و پرچمی" حماسه آفرید و قهرمانانه جان باخت.

ما سی و هشتمین سال جاودانگی رفیق عارف را که با سربلندی و افتخار در راه آرمانش، توسط جلادان سادیست خاد در کنار هزاران اعدامی دیگر سامانی و غیرسامانی اعدام و سپس در گور های بی نشان خفتند، یاد می کنیم و یاد عزیزش را گرامی می داریم.

رفیق عارف از قدرت سازماندهی، منطق قوی، قدرت نفوذ در توده ها، محبوبیت مردمی، فعالیت های خستگی ناپذیر در راه مبارزه، اذعان به نیروی لایزال و تاریخ ساز خلق، عشق و ایمان به انقلاب، بینش علمی و دوراندیشی سیاسی توأم با ابتکار و خلاقیت برخوردار بود. همین خصال عالی انقلابی از او انسانی نوین برجسته و متهوری آفرید که زیب دفتر مبارزاتی ساما و تاریخ آزادیخواهی خلق افغانستان است. جانبازان پاکباز سامائی از دامن توده های تحت ستم سر بلند کرده، چون مروراید در صدف سینه توده ها پرورش یافتند و با کارنامه های درخشان در روشنائی اندیشه های بشارت دهنده پایان ستم و استثمار، به مثابه انقلابیون آگاه در راه براندازی ستم و استثمار رزمیدند و در آن مسیر به جاودانگان تاریخ مبارزاتی این سرزمین مبدل شدند.

یاد "عارف" و سائر فرزندان عارف خلق در صفوف "ساما" و بیرون از آن، وظیفه انصراف ناپذیری است که می توان با گرامی داشتن آرمان شان در نظر و عمل و رزمیدن در راه تحقق آن آرمان، آن را به سر رسانید!

یاد این سرباز سربلند و همیشه جاوید سامائی گرامی باد!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

۸ جون ۲۰۲۰